

عوامل اثرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان

روح‌اله رضائی*؛ دانشیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

لیلا صفا؛ استادیار دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۲/۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۷

چکیده

به رغم اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان یکی از ابزارهای اصلی دستیابی به توسعه اقتصادی، این بنگاه‌ها به ویژه در بخش کشاورزی در کشور به شکل مطلوبی توسعه پیدا نکرده و میزان موفقیت آنها بسیار پایین بوده است. با توجه به اهمیت موضوع، هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی بوده است. تحقیق حاضر به لحاظ روش، از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق را تمامی مدیران و صاحبان این بنگاه‌ها در استان زنجان تشکیل داده است ($N=354$) که با توجه به جدول بارتلت و همکاران (۲۰۰۱)، یک نمونه ۲۲۰ نفری از آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شد. روایی پرسشنامه با نظر پانلی از کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت. برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ برای مقیاس اصلی پرسشنامه ۰/۷۹ بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل‌های عاملی اکتشافی و تأییدی انجام گرفت. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که ۶۷/۷۴۷ درصد از واریانس کل عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی را پنج عامل حمایتی (۱۹/۱۸۹ درصد)، مالی-تسهیلاتی (۱۵/۴۳۸ درصد)، قانونی-اداری (۱۲/۳۸۸ درصد)، آموزشی (۱۱/۷۲۰ درصد) و ارتباطی (۹/۰۱۲ درصد) تبیین کردند. همچنین، نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از آن بود که مقادیر t هر یک از پنج عامل اشاره شده از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و این عوامل اثر مثبت و معنی‌داری در تبیین سازه "عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط" داشتند. با در نظر گرفتن یافته‌های تحقیق، می‌توان نتیجه گرفت که اجرای سیاست‌های حمایتی، اعطای تسهیلات و اعتبارات، تدوین قوانین مناسب و رفع موانع اداری، آموزش مدیران بنگاه‌ها و ایجاد ارتباط اثربخش بین بنگاه‌ها، پیش‌شرط‌های اصلی توسعه مطلوب بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: بنگاه‌های کوچک و متوسط، کسب و کارهای کارآفرین، کشاورزی.

(۱) مقدمه

در سال‌های اخیر بنگاه‌های کوچک و متوسط^۱، به عنوان اصلی‌ترین منابع ایجاد شغل در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شناخته شده‌اند (امین بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰، الف: ۱۲۶). با ظهور فناوری‌های جدید در تولید و ارتباطات به ویژه طی دو دهه گذشته، تحولاتی در قابلیت‌های واحدهای صنعتی، روش‌های تولید و توزیع و ساختار تشکیلاتی بنگاه‌ها پدید آمده است که بر اهمیت واحدهای کوچک و متوسط افزوده است (Yeh- Yun and Zhang, 2005: 146). این واحدها به دلیل کوچکی و سادگی در ساختار سازمانی، از انعطاف‌پذیری فراوانی در برابر تغییرات، سرعت قابل قبول در انجام فعالیت‌ها، قدرت رقابت در محیط بیرونی بنگاه و نیز از توانایی و ظرفیت زیادی برای بهبود عملکرد و دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده خود با استفاده از منابع موجود برخوردار هستند (Wilkinson and Brouther, 2006: 235).

بنگاه‌های کوچک و متوسط با در اختیار داشتن ترکیبی متمایز و منحصر بفرد از منابع انسانی و مالی، حمایت‌های اجتماعی و زمینه‌های آموزشی و فرهنگی، بهترین و قوی‌ترین عوامل برای پشتیبانی از جریان کارآفرینی به شمار می‌روند (خشنودی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). با توجه به اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و نقش بی‌بدیل آنها در توسعه اقتصادی، بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایجاد و حمایت از این بنگاه‌ها در حوزه‌های مختلف به ویژه بخش کشاورزی را یکی از اولویت‌های اساسی خود قرار داده (UNIDO, 2008: 15) و با در پیش گرفتن سیاست‌های منسجم و هماهنگ، توانسته‌اند گام‌های بزرگی در کاهش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی که بیکاری عمده‌ترین آنها محسوب می‌شود، بردارند (شعبان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰)؛ چرا که شکل‌گیری و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در بخش کشاورزی، می‌تواند نقش اساسی در توسعه پایدار روستایی ایفا کند (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵).

با در نظر گرفتن اهمیت بنگاه‌های کوچک و متوسط و با توجه به تجربه موفق بسیاری از کشورها، در ایران از سال ۱۳۸۴ رویکرد ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط جهت ایجاد اشتغال مولد، تقویت روحیه رقابت و توسعه نقش کارآفرینی در اقتصاد و افزایش بهره‌وری، مورد توجه جدی قرار گرفت (شاهنوشی و شعبان‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۱). ارزیابی اولیه وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور نشان می‌دهد که این بنگاه‌ها تا حدود زیادی دچار انحراف شده (شعبان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱) و در ایفای نقش راهبردی مورد انتظار خود در اقتصاد کشور، رقابت با بنگاه‌های مشابه خارجی و صنایع بزرگ داخلی

¹ Small and Medium Enterprises (SMEs)

و نیز کسب مزیت رقابتی که لازمه حضور جدی در بازارهای جهانی است، با مشکل مواجه شده‌اند (امین بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰، ب: ۳۵).

در واقع، طی چند سال گذشته نقش و جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش صنعت و اقتصاد کشور رو به کاهش بوده (امین بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰، الف: ۱۲۶) و آنها نتوانسته‌اند در راستای اهداف برنامه‌ریزی شده خود به ویژه افزایش تولید، تقویت تحرک اقتصادی، بهبود کارآفرینی و اشتغال‌زایی و ارتقاء فرصت‌های شغلی جدید حرکت کنند و در نتیجه، دارای اثربخشی مناسب و عملکرد قابل توجهی نبوده‌اند (خلیقی، ۱۳۸۷: ۱۰). در بخش کشاورزی نیز با توجه به شرایط خاص حاکم بر این بخش، به دلیل وجود مشکلات مختلف بنگاه‌های کوچک و متوسط از میزان موفقیت بسیار پایینی برخوردار بوده و بیشتر این بنگاه‌ها در دستیابی به اهداف خود به شکل ضعیفی عمل کرده‌اند (خشنودی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ۳). برای نمونه، بر اساس طرح آمارگیری ارزیابی عملکرد و اثربخشی بنگاه‌های کوچک و متوسط (۱۳۸۶)، از ۶۰۹۶۲۰ فرصت شغلی برآورده شده از طریق توسعه این بنگاه‌ها در بخش کشاورزی تنها ۲۸/۵۲ درصد آنها در نهایت منجر به ایجاد اشتغال شده است (حیدرپور، ۱۳۸۶: ۳۱).

در استان زنجان نیز تا سال ۱۳۹۲ در حدود ۳۵۴ بنگاه در زیربخش کشاورزی راه‌اندازی و مجوز فعالیت دریافت کرده است که قرار بود این تعداد بنگاه نزدیک به ۹۲۶ فرصت شغلی ایجاد کند که به دلیل مواجهه با مشکلات مختلف، میزان اثربخشی این بنگاه‌ها پایین بوده و تنها توانستند در حدود ۳۷۸ شغل در زیربخش‌های گوناگون اعم از دام، زراعت، شیلات، صنایع کشاورزی و مکانیزاسیون ایجاد شود. همچنین، ارزیابی‌ها حاکی از آن است که بیشتر بنگاه‌های کوچک و متوسط راه‌اندازی شده در بخش کشاورزی استان زنجان به شکل مطلوبی توسعه پیدا نکرده است، به نحوی که این بنگاه‌ها دارای نرخ سوددهی و درآمدزایی پایینی بوده و به دلیل نداشتن قدرت کافی برای رقابت با بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ، با سپری شدن مدتی از آغاز فعالیت، راکد یا نیمه راکد شده که این مسئله موجب گردیده تا در مجموع، این بنگاه‌ها نتوانند عملکرد قابل قبولی از خود نشان داده و نقش خود را در افزایش کارآفرینی و پویایی بخش کشاورزی استان به نحو مطلوب ایفا کنند (سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان، ۱۳۹۲: ۱۱۵-۱۱۶).

با توجه به مطالب اشاره شده درباره عدم توسعه مناسب بنگاه‌های کوچک و متوسط در بخش کشاورزی استان زنجان و نیز با در نظر گرفتن اینکه بررسی وضعیت کنونی این بنگاه‌ها به ویژه شناخت علمی و دقیق عوامل تأثیرگذار بر توسعه آنها به منظور تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خصوص چگونگی اجرای طرح در آینده امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به شمار می‌رود (دیواندری و همکاران، ۱۳۸۸: ۵)،

سوال اصلی این تحقیق آن بود که مهمترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در استان زنجان با تأکید بر بخش کشاورزی این استان کدامند؟

۲) مبانی نظری

بنگاه‌های کوچک و متوسط به منزله یکی از نیروهای پیش‌برنده اقتصاد مدرن به شمار می‌روند که نقش بسزایی در تقویت نوآوری‌های فناورانه، بهبود فرصت‌های اشتغال و تشویق افزایش صادرات دارند (Zulkepli et al., 2015: 439)؛ در سال‌های اخیر، اهمیت این بنگاه‌ها به اندازه‌ای افزایش یافته است که از آنها به عنوان ستون فقرات توسعه صنعتی در کشورهای مختلف نام برده می‌شود (Anggadwita and Mustafid, 2014: 414; Zulkepli et al., 2015: 439).

درباره مفهوم بنگاه کوچک و متوسط، به دلیل مشخصه‌ها و تنوع فعالیت این بنگاه‌ها و وجود شاخص‌های گوناگون، تعاریف و برداشت‌های پرشماری وجود داشته و تاکنون، یک تعریف پذیرفته شده در سطح جهانی ارائه نشده است (Lucky and Olusegun, 2012: 488). در این خصوص، اندازه کسب و کار یا تعداد کارکنان، زمینه فعالیت، ارزش دارایی‌ها، میزان گردش مالی و غیره، از رایج‌ترین شاخص‌های مورد استفاده برای تعریف بنگاه‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شوند (López-Ortega et al., 2016: 59) که در میان آنها، اندازه یا تعداد کارکنان یکی از معتبرترین شاخص‌ها به حساب آمده، به نحوی که در بیشتر کشورها طبقه‌بندی کسب و کارها بر اساس این شاخص صورت گرفته است (Lucky and Olusegun, 2012: 489).

در انگلستان، کسب و کارهای دارای تا ۴۹ نفر پرسنل، در اتحادیه اروپا تا ۵۰ نفر، در استرالیا بین ۵ الی ۲۰ نفر، در ژاپن کمتر از ۳۰۰ نفر و در آلمان و آمریکا تا ۵۰۰ نفر پرسنل، به عنوان کسب و کار کوچک و متوسط شناخته می‌شوند (امین بیدختی، ۱۳۸۸: ۱۷۳؛ آخوندی و مرشدی، ۱۳۹۱: ۱). در ایران نیز تعریف واحدی از بنگاه‌های کوچک و متوسط ارائه نشده و این مفهوم از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است؛ با توجه به تعدد تعاریف، در این تحقیق برای تبیین مفهوم بنگاه کوچک و متوسط به تعریف ارائه شده توسط وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت استناد شده است که بر اساس آن به طور مشخص، بنگاه‌های کوچک و متوسط، واحدهای صنعتی و خدماتی (شهری و روستایی) هستند که کمتر از ۵۰ نفر کارگر داشته (عقیلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴۷) و به عبارت دیگر، میزان اشتغال آنها کمتر از ۵۰ نفر است.

شایان ذکر است که در آیین‌نامه اجرایی گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی در بخش کشاورزی و روستایی نیز از این تعریف استفاده شده است. با توجه به اندازه کوچک بنگاه‌های کوچک و

متوسط، این بنگاه‌ها دارای برخی ویژگی‌های منحصر بفرد می‌باشند که آنها را از بنگاه‌های بزرگ متمایز می‌سازد؛ بنگاه‌های کوچک و متوسط، از ساختار سازمانی چابک‌تری برخوردار بوده و ارتباطات سازمانی در آنها به شکل مطلوبی صورت می‌گیرد. این بنگاه‌ها رقابت‌پذیر بوده و در مواجهه با بازار به خوبی می‌توانند بر روی تقاضاها و نیازهای کوتاه مدت در بازار متمرکز شده و در نتیجه، بازگشت سرمایه در آنها سریع‌تر است. هر چند، بنگاه‌های کوچک و متوسط انعطاف‌پذیرتر بوده و به سرعت نسبت به تغییرات اقتصادی و محیط پیرامونی واکنش نشان می‌دهند، اما در مقایسه با بنگاه‌های بزرگ، عکس‌العمل کندتری در جذب و به کارگیری فناوری‌های پیشرفته داشته و دارای پیچیدگی تکنولوژیکی کمتری هستند؛ از این رو، این بنگاه‌ها می‌توانند از طریق جذب نیروی انسانی آموزش ندیده و غیرماهر، نقش بسیار مهمی را در افزایش اشتغال ایفا کنند (شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۴-۵؛ Gibson and Vaart, 2008: 11-12).

به نتیجه رسیدن سریع فعالیت‌ها و ابتکار عمل افراد در این کسب و کارها، برخورداری کارکنان این بنگاه‌ها از انگیزه بالا و سرمایه اولیه محدود مورد نیاز برای راه‌اندازی کسب و کار، از دیگر ویژگی‌های حیاتی بنگاه‌های کوچک و متوسط به شمار می‌روند (شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۱). افزون بر موارد اشاره شده، بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای بازده بالا (امین بیدختی، ۱۳۸۸: ۱۷۵) و هزینه‌های عمومی (اعم از هزینه نیروی انسانی، نهاده‌ها، تجهیزات و فناوری و غیره) کمتری بوده و می‌توانند با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم و همکاری‌های نظام‌مند با یکدیگر، ضمن دستیابی به شاخص‌های تولید انبوه، از مشخصه‌های منحصر به فرد دیگری همچون نوآوری و تنوع نیز برخوردار شوند (برخورداری، ۱۳۸۹: ۶).

با در نظر گرفتن ویژگی‌های اشاره شده، بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای کارکردهای گوناگونی در حوزه‌های مختلف به ویژه اقتصادی هستند که به طور قطع، اصلی‌ترین آن را می‌توان به کمک این نوع کسب و کارها به ایجاد اشتغال و ارایه فرصت‌های شغلی نسبت داد (کیان‌پور و تولایی، ۱۳۹۳: ۲۵؛ Reid and Harris, 2004: 45; Lucky and Olusegun, 2012: 493)، به نحوی که بسیاری از دولت‌ها متقاعد شده‌اند که به منظور رفع معضل بیکاری باید بستر رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط را فراهم نموده و به طور جدی از آنها پشتیبانی کنند (Kyaw, 2008: 17).

بر اساس آمار موجود، بنگاه‌های کوچک و متوسط سهم ۶۰ تا ۷۰ درصدی کل اشتغال در بیشتر کشورها را دارند و تقریباً ۱۰۰ درصد شرکت‌های خدماتی فعال را تشکیل می‌دهند (شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۵). افزون بر این، یکی دیگر از کارکردهای اصلی بنگاه‌های کوچک و متوسط کمک به توسعه کارآفرینی و خلق فرصت‌های کارآفرینانه در جامعه است (Rebecca and Benjamin, 2009: 63; Blossom et al., 2014: 3)، به نحوی که بسیاری از کارآفرینان، کار خود را در قالب شرکت‌های کوچک و متوسط آغاز می‌کنند (امین بیدختی، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

فراهم کردن بستر مناسب برای نوآوری از دیگر کارکردهای مهم بنگاه‌های کوچک و متوسط به شمار می‌آید (آخوندی و مرشدی، ۱۳۹۱: ۳)، چرا که این بنگاه‌ها به دلیل داشتن قدرت ریسک‌پذیری بالاتر و انعطاف‌پذیری بیشتر در برابر تغییرات محیطی، به راحتی می‌توانند اقدام به فعالیت‌های نوآورانه کرده و با تعریف پروژه‌های جدید، بر روی طراحی و تولید کالاها و خدمات جدید متمرکز شوند. با توجه به مطالب اشاره شده، به طور کلی، بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق چهار کارکرد کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری، کمک به پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تأثیرگذار هستند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰۷). افزون بر کارکردهای اقتصادی، در بعد اجتماعی، بنگاه‌های کوچک و متوسط مسیر پیشرفت افراد جامعه را هموار کرده (شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۵) و از طریق افزایش بهره‌وری در بخش روستایی و کمک به توزیع عادلانه ثروت و درآمد، منجر به کاهش فقر به ویژه در مناطق روستایی می‌شوند (امین بیدختی، ۱۳۸۸: ۱۸۴؛ کیان‌پور و تولایی، ۱۳۹۳: ۲۵).

در بعد سیاسی، این بنگاه‌ها ساختار سیاسی را اصلاح کرده و از تمرکز قدرت در شهرهای بزرگ جلوگیری می‌کنند. علاوه بر موارد اشاره شده، در سطح فردی نیز بنگاه‌های کوچک و متوسط زمینه را برای توسعه قابلیت‌ها و صلاحیت‌های فردی و تخصصی افراد فراهم کرده و از این طریق، نیروی انسانی ماهر برای کسب و کارهای بزرگ را هم فراهم می‌سازند (شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۵).

هر چند، صنایع بزرگ به جهت داشتن مزیت‌های ناشی از اثر مقیاس انبوه، دامنه تولید، تجربه و برخورداری از شبکه روابط تجاری گسترده‌تر هنوز هم مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی هستند، ولی ویژگی‌ها و کارکردهای منحصر بفرد بنگاه‌های کوچک و متوسط، این صنایع را در تولید اغلب کالاها و محصولات به انتخاب اول تبدیل کرده است (غفاری آشتیانی و پیرمحمدی، ۱۳۸۷: ۳۰). از این‌رو، در دو دهه اخیر توجه بسیاری از محققان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف به بررسی و شناخت نحوه توسعه این بنگاه‌ها جلب شده است؛ علی‌رغم این موضوع، به دلیل وجود واگرایی در دیدگاه‌های نظری و تجربی و آرایه برداشت‌های پرشمار و همچنین با در نظر گرفتن ماهیت پیچیده فرآیند توسعه خود بنگاه‌ها که دارای ابعاد گوناگونی بوده و ممکن است در مقاطع زمانی مختلف از الگوهای متفاوتی پیروی کند، تاکنون مدل تئوریک مشخص و یکپارچه‌ای در خصوص تشریح فرآیند توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و عوامل تأثیرگذار بر آن آرایه نشده است (Woldie et al., 2008: 8) و حتی گیب و دیویز^۱ (۱۹۹۰) بر این باورند که آرایه چنین تئوری در آینده‌ای نزدیک نیز ممکن نبوده و نیاز به انجام مطالعات بیشتر و گسترده‌تر به ویژه در زیربخش‌های مختلف اقتصادی اعم از صنعت، کشاورزی و سایر زیربخش‌ها است. بر

^۱ - Gibb and Davies

این اساس، به منظور شناسایی عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط، در ادامه به مرور نتایج پژوهش‌های مرتبط داخلی و خارجی پرداخته شده است.

خلیقی (۱۳۸۷) در مطالعه خود دریافت که تقویت مهارت‌های کارآفرینانه مدیران به طور معنی‌داری در توسعه و افزایش اثربخشی کسب و کارهای کوچک و متوسط مورد مطالعه در شهرستان سنندج تأثیر دارد. شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای حمایتی توسعه کسب و کارهای کوچک کشاورزی در استان گلستان مشخص نمودند که پرداخت تسهیلات بانکی، آسان شدن امور اداری، توسعه زیرساخت‌ها، شفاف‌سازی قوانین و امور حقوقی، واگذاری زمین، پرداخت یارانه، تنظیم بازار و گسترش پوشش بیمه از مهمترین حمایت‌های نهادی و ارایه اطلاعات و آموزش در زمینه‌هایی همچون امور و روند اداری مرتبط با راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار، قوانین و امور حقوقی مربوط به راه‌اندازی و مدیریت کسب و کار، نحوه نگارش طرح توجیهی و مکان‌یابی مناسب کسب و کارها از مهم‌ترین حمایت‌های اطلاعاتی و آموزشی مورد نیاز برای توسعه کسب و کارهای کوچک کشاورزی هستند.

خشنودی‌فر و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی شهرستان فرمهین دریافتند که میزان موفقیت و اثربخشی بنگاه‌ها در سطح پایینی بود. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که افزایش توان رقابت با سایر بنگاه‌ها، بهبود کیفیت محصولات و خدمات، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های تجاری و وجود نیروی کار متخصص، به ترتیب مهمترین عوامل مؤثر بر موفقیت و توسعه بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی می‌باشند. شعبان‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی اثربخشی طرح اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در صنعت زنبورداری نشان دادند که ایجاد سیستم جامع اطلاعاتی، راه‌اندازی بانک‌های تخصصی جهت حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط، استفاده از دانش آموختگان دانشگاهی و توجه به اثرات غیرمستقیم اعتبارات، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه و افزایش اثربخشی بنگاه‌های کوچک و متوسط بوده است.

بر اساس نتایج تحقیق نرگسی و کلانتریان (۱۳۹۱) مشخص شد که بین آموزش و تقویت مهارت‌های کارآفرینانه مدیران شامل مهارت‌های شخصی، مهارت‌های متقابل فردی و مهارت‌های فرآیندی و توسعه صنایع کوچک و متوسط مستقر در شهرک صنعتی در شهرستان کرمانشاه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در مطالعه دیگری، شریفی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی عوامل بازدارنده و پیش‌برنده رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط در صنعت رنگ ایران نشان دادند که عوامل انسانی، عوامل سازمانی، عوامل مرتبط با زنجیره تأمین، بازار و عوامل مالی به ترتیب مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در صنعت رنگ کشور محسوب می‌شود.

کریمی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در استان قزوین را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که سازوکارهای مالی، حمایتی، آموزشی، مدیریتی و ارتباطی، مهم‌ترین سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط در منطقه مورد مطالعه بوده. نورتیا و روبین^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود به ارایه یک مدل یکپارچه برای اثربخش نمودن فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط پرداخته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، عوامل مؤثر بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در قالب دو دسته عوامل درونی شامل فعالیت‌های مدیران، وجود منابع انسانی متخصص و ماهر، وجود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، مدیریت اطلاعات، دسترسی به فناوری‌های نوین، مدیریت بازاریابی و ساختار سازمانی بنگاه‌ها و عوامل محیطی شامل رویه‌ها و خط-مشی‌های دولتی، حمایت‌های قانونی از فعالیت بنگاه‌ها به ویژه وجود قوانین مالیاتی و تجاری مناسب و شبکه‌سازی و ارتباطات میان بنگاهی قرار گرفته‌اند.

فیلیپ^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه خود عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را مورد بررسی قرار داده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مؤثرترین عوامل بر روی میزان موفقیت بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور بنگلادش شامل بهبود کیفیت و تنوع خدمات و محصولات، وجود راهبرد مشخص کسب و کار، مهارت، دانش و تجربه مدیران و عوامل بیرونی به ویژه برنامه‌ها و سیاست‌های دولت بوده. در مطالعه دیگری، پات^۳ (۲۰۱۱) در بررسی اثربخشی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کانادا نشان داد که مولفه‌های متعددی می‌توانند بر روی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط فعال در زیربخش‌های مختلف تأثیرگذار باشند که مهمترین آنها شامل ساختار سازمانی، فضا و جو سازمانی، سیستم مدیریت دانش، وجود روحیه کارآفرینی در مدیر و کارکنان و برخورداری از منابع انسانی متخصص بوده است.

سیدیکا^۴ (۲۰۱۲) در تدوین چارچوب مفهومی عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط به این نتیجه رسید که ارایه آموزش‌های کارآفرینانه و تقویت مهارت‌های کارآفرینی مدیران بنگاه‌ها، بهبود ظرفیت نوآوری بنگاه، خلاقیت سازمانی، جهت‌گیری بازار و وجود ساختار سازمانی منعطف، از مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند. به همین منوال، لطفی و همکاران^۵ (۲۰۱۴) در بررسی عوامل تأثیرگذار بر رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط در استان اردبیل دریافتند که ساختار سازمانی، تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های حمایتی دولت به ویژه ارایه مشوق‌های مالی، کاهش مالیات و تسهیل صادرات، از اثر مثبت و معنی‌داری بر روی رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط

¹ Norita and Robin

² Philip

³ Pat

⁴ Sidika

⁵ Lotfi *et al.*

مورد مطالعه برخوردار بوده. در نهایت، آنگادویتا و مستافید^۱ (۲۰۱۴) در تعیین عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط نشان دادند که مهم‌ترین این عوامل شامل تقویت مهارت‌ها و گرایش‌های کارآفرینانه مدیران بنگاه، تقویت قابلیت‌ها و صلاحیت‌های منابع انسانی، بهبود سطح نوآوری بنگاه و عوامل محیطی به ویژه وجود قوانین و مقررات مرتبط بوده است.

۳) روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ میزان کنترل متغیرها، غیرآزمایشی و توصیفی، از نظر نحوی گردآوری داده‌ها، میدانی و در نهایت به لحاظ قابلیت تعمیم یافته‌ها، از نوع پیمایشی محسوب می‌شود. همانطور که در جدول (۱) نشان داده شده است، جامعه آماری این تحقیق ۳۵۴ نفر از مدیران و صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان بوده است (سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان، ۱۳۹۲: ۳۸)؛ شایان ذکر است، همانطور که در بخش‌های پیشین نیز اشاره شد، در این تحقیق منظور از بنگاه‌های کوچک و متوسط، کسب و کارهایی بوده که دارای کمتر از ۵۰ نفر کارگر بوده و موفق به دریافت مجوز فعالیت (اعم از جواز تأسیس، پروانه کسب و جواز صنفی) از سازمان‌های ذی‌ربط شده و مشخصات آنها به صورت رسمی در سازمان جهاد کشاورزی استان ثبت و بر اساس آیین‌نامه‌های قانونی، از سوی این سازمان به عنوان بنگاه کوچک و متوسط شناخته شده است.

با توجه به ماهیت بخش کشاورزی و تنوع فعالیت‌های اقتصادی در آن، هر چند بنگاه‌های مورد بررسی در زیربخش‌های مختلف اعم از دام، زراعت، شیلات، صنایع کشاورزی، مکانیزاسیون و غیره راه-اندازی و در حال فعالیت بوده، ولی تمامی آنها به علت فعالیت در یک حوزه مشترک و تعامل با سازمان جهاد کشاورزی به عنوان نهاد دولتی اصلی تأثیرگذار بر آنها، به صورت کم و بیش با مسایل نسبتاً مشابهی درگیر بوده است. بر این اساس، به منظور حفظ جامعیت تحقیق، داشتن حجم نمونه کافی برای انجام آزمون‌های آماری و اجتناب از کاهش قابلیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها، برای انجام تحقیق تمامی بنگاه‌های فعال در زیربخش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

به منظور تعیین حجم نمونه، از جدول بارتلت و همکاران^۲ (۲۰۰۱) استفاده شد که با در نظر گرفتن سطح خطای ۰/۰۵ و مقدار $t=۲/۵۸$ ، تعداد ۲۲۰ نفر از مدیران و صاحبان بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی برای انجام تحقیق انتخاب شد. برای دستیابی به نمونه‌ها و تکمیل پرسشنامه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب (شهرستان‌های مورد مطالعه به عنوان طبقات) استفاده شد (جدول ۱).

^۱ Anggadwita and Mustafid

^۲ Bartlett *et al.*

جدول شماره (۱): تعداد کل مدیران و صاحبان بنگاه‌های مورد مطالعه و نمونه‌های اختصاص یافته به هر یک از طبقات

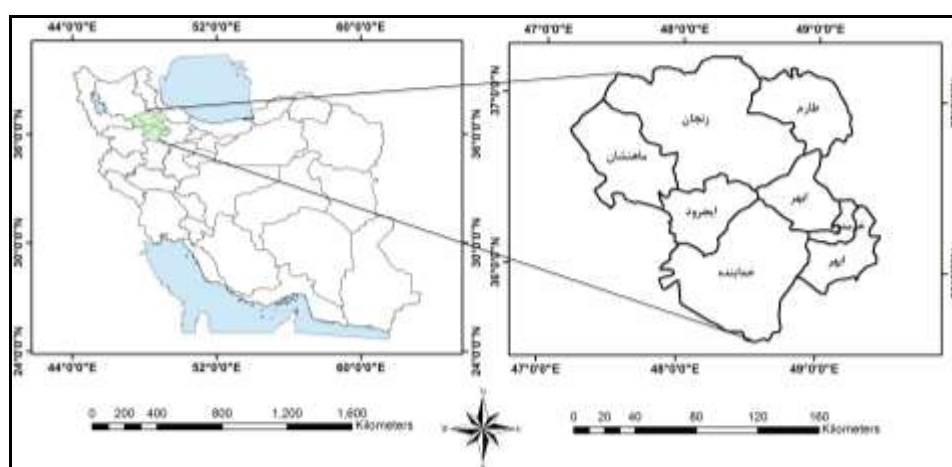
شماره	نام شهرستان	تعداد پاسخگویان	تعداد نمونه
۱	زنجان	۱۰۴	۶۵
۲	ابهر	۹۵	۵۸
۳	خدابنده	۷۱	۴۴
۴	طارم	۴۳	۲۷
۵	ماه‌نشان	۱۷	۱۱
۶	خرمدره	۱۴	۹
۷	ایجرود	۱۰	۶
	کل	۳۵۴	۲۲۰

ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها جهت پاسخ به پرسش‌های تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته بود که از دو بخش اصلی مشخصه‌های فردی پاسخگویان و سنجش میزان اهمیت هر یک از عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط از دیدگاه پاسخگویان (شامل ۲۶ متغیر بر حسب طیف لیکرت پنج سطحی، از خیلی کم = ۱ تا خیلی زیاد = ۵) تشکیل شده بود. اعتبار محتوایی پرسشنامه با نظر اعضای هیأت علمی دانشگاه زنجان بررسی شده و پس از انجام اصلاحات ضروری مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، برای تعیین قابلیت اعتماد ابزار تحقیق پیش‌آزمون انجام گرفت که مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس اصلی پرسشنامه یعنی "عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی"، پس از انجام اصلاحات لازم و حذف دو گویه به دلیل پایین بودن مقدار ضرایب آنها، ۰/۷۹ به دست آمد که بر اساس نظر پدهاورز^۱ (۱۹۸۲) این مقدار در سطح مناسب قرار داشت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، اطلاعات موجود در آنها کدگذاری و داده‌ها با استفاده از آزمون‌های مرتبط با آمار توصیفی (شامل میانگین، انحراف معیار و فراوانی) و آمار استنباطی (شامل تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

استان زنجان با وسعتی برابر ۲۲۱۶۴ کیلومتر مربع در شمال غرب فلات مرکزی ایران قرار گرفته و دارای هشت شهرستان، ۱۸ شهر، ۱۶ بخش، ۴۶ دهستان و ۱۱۹۹ روستا می‌باشد. این استان با هفت استان کشور هم مرز می‌باشد، به نحوی که از شمال به استان اردبیل و استان گیلان، از شمال شرقی و شرق به استان قزوین، از جنوب به استان همدان، از جنوب غربی به استان کردستان، از مغرب به استان آذربایجان غربی و از شمال غرب به استان آذربایجان شرقی محدود است (شکل ۲). بر اساس آمار

^۱ Pedhazur

سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، در حدود ۳۷/۵ درصد از جمعیت کل استان زنجان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و با توجه به اینکه نیمی از مساحت استان را اراضی کشاورزی تشکیل می‌دهند، این استان از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بسیار مناسبی در حوزه کشاورزی برخوردار بوده و همواره به عنوان یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی در کشور مطرح بوده است (رضائی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲).



شکل شماره (۱): موقعیت استان زنجان و شهرستان‌های آن

۴) یافته‌های تحقیق

بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه مرد (۹۴/۵ درصد) و تعداد کمی از آنها (۵/۵ درصد) زن بوده‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه ۴۱/۳ سال بود که دامنه سنی بیشتر آنها (۴۷/۶ درصد) بین ۳۵ تا ۴۵ سال قرار داشته است. همچنین، با توجه به نتایج تحقیق مشخص شد که بیشترین فراوانی از نظر سطح تحصیلات مربوط به پاسخ‌گویان با مدرک تحصیلی دیپلم (۳۶/۲ درصد) بود. به لحاظ حوزه فعالیت، نتایج تحقیق حاکی از آن است که به ترتیب سه حوزه دامپروری (۳۷/۷ درصد)، صنایع کشاورزی (۱۸/۲ درصد) و شیلات (۱۲/۷ درصد) بیشترین فراوانی را داشته است.

در این بخش، با هدف دسته‌بندی "عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی" و تعیین مقدار واریانس تبیین شده توسط هر کدام از متغیرها در قالب عامل‌های دسته‌بندی شده، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. به منظور تشخیص مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای مورد تحلیل، از شاخص کیزر-میر-اولکین و آزمون بارتلت بهره گرفته شد (جدول ۲). در این زمینه، با توجه به اینکه مقدار کیزر-میر-اولکین بالای ۰/۷ بود، می‌توان بیان داشت که واریانس متغیرهای تحقیق تحت تأثیر واریانس مشترک برخی عامل‌های پنهانی و اساسی است؛ به عبارت دیگر،

واریانس مجموعه متغیرهای مورد مطالعه ناشی از یک سری عوامل پنهانی و بنیادی است و نه تمامی متغیرها. از سوی دیگر، معنی‌داری آزمون بارتلت نشان داد که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای همبسته است. به این ترتیب، مقدار مناسب شاخص کیزر-میر-اولکین و معنی‌داری آزمون بارتلت در سطح ۰/۰۱، بیانگر مناسب بودن متغیرها و وجود حداقل شرایط لازم برای انجام تحلیل عاملی بود (جدول ۲).

جدول شماره (۲): مقدار شاخص کیزر-میر-اولکین و آزمون بارتلت

آزمون بارتلت		مقدار شاخص کیزر-میر-اولکین	مجموعه مورد تحلیل
سطح معنی‌داری	مقدار آزمون		
۰/۰۰۰	۱۴۵۴/۷۳۰	۰/۸۲۸	عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴.

برای استخراج عامل‌ها، از معیار مقدار ویژه استفاده شد و عامل‌هایی مد نظر قرار گرفت که مقدار ویژه آنها از یک بزرگتر بوده است. نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی در جدول (۳) آورده شده است؛ با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۳)، از بین پنج عامل استخراج شده عامل نخست تحت عنوان "حمایتی" با مقدار ویژه ۴/۲۲۲ به تنهایی تبیین کننده ۱۹/۱۸۹ درصد از کل واریانس مجموعه مورد تحلیل بوده و بیشترین نقش را در تبیین واریانس داده‌ها داشته است.

پس از آن، عامل دوم با نام "مالی-تسهیلاتی" با مقدار ویژه ۳/۳۹۶ توانسته است ۱۵/۴۳۸ درصد از واریانس مجموعه را تبیین کند. عامل‌های سوم (قانونی-اداری) و چهارم (آموزشی) با مقدار ویژه‌های ۲/۷۲۵ و ۲/۵۷۸ به ترتیب ۱۲/۳۸۸ و ۱۱/۷۲۰ درصد از واریانس کل را تبیین نموده‌اند. در نهایت، عامل پنجم (ارتباطی) نیز با کسب مقدار ویژه ۱/۹۹۸ در حدود ۹/۰۱۲ درصد از واریانس کل را تبیین کرده است.

به طور کلی، این پنج عامل ۶۷/۷۴۷ درصد از کل واریانس را تبیین کرده‌اند که حاکی از میزان واریانس مناسب تبیین شده توسط عامل‌های استخراج شده است. البته، ذکر این نکته ضروری است که پس از چرخش (وریماکس)، دو متغیر شامل "خرید تضمینی محصولات SMEs برای حمایت از فعالیت آنها به ویژه در مراحل آغازین راه‌اندازی آنها" و "حمایت از شرکت SMEs در نمایشگاه‌های بین‌المللی و کنفرانس‌های علمی"، به دلیل داشتن بار عاملی کمتر از ۰/۵، از فرآیند تحلیل حذف شده است.

جدول شماره (۳): خلاصه نتایج تحلیل عاملی اکتشافی عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط

عامل‌ها (نماد)	متغیرها	بار عاملی	مقدار ویژه	واریانس (%)	واریانس تجمعی (%)
حمایتی (S)	وجود سیاست‌های حمایتی از سوی دولت در حوزه قیمت، حمایت‌ها، واردات و صادرات و غیره مرتبط با SMEs (S ₁)	۰/۸۱۲	۴/۲۲۲	۱۹/۱۸۹	۱۹/۱۸۹
	ایجاد مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تامین نهاده، بازاریابی و غیره (S ₂)	۰/۷۸۲			
	کاهش تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی برای SMEs به ویژه در سال‌های اولیه راه‌اندازی (S ₃)	۰/۷۶۱			
	ساماندهی و تقویت اتحادیه‌ها و تشکلهای برای انسجام‌بخشی، حمایت و تأمین خدمات مورد نیاز برای SMEs (S ₄)	۰/۷۵۵			
	تسهیل دسترسی به خدمات دولتی به خصوص آمار و اطلاعات شفاف برای تأمین اطلاعات لازم SMEs (S ₅)	۰/۷۲۸			
	وجود نظام بیمه‌ای مشخص و منسجم مختص SMEs (S ₆)	۰/۶۹۵			
مالی- تسهیلاتی (F)	اعطای تسهیلات و اعتبارات بانکی با شرایط مطلوب (نرخ بهره، قسط‌بندی، زمان تنفس، ضمانت و غیره) به SMEs (F ₁)	۰/۸۴۲	۳/۳۹۶	۱۵/۴۳۸	۳۴/۶۲۷
	ایجاد و توسعه نهادها و تشکیلات مالی مختص SMEs اعم از تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و صندوق‌های مالی (F ₂)	۰/۷۸۵			
	پرداخت یارانه مربوط به هزینه خدمات عمومی (سوخت، برق، گاز، مخابرات و خرید نهاده-ها) به SMEs (F ₃)	۰/۷۲۵			
	ارایه مشوق‌های مالی و تسهیلات اعتباری ویژه برای متقاضیان راه‌اندازی SMEs (F ₄)	۰/۷۰۶			
	تخصیص ارز برای واردات فناوری‌ها و ماشین‌آلات تخصصی مورد نیاز SMEs (F ₅)	۰/۶۳۵			
قانونی- اداری (R)	تدوین قوانین خاص متناسب با شرایط و مشخصه‌های منحصربفرد SMEs (R ₁)	۰/۸۲۶	۲/۷۲۵	۱۲/۳۸۸	۴۷/۰۱۵
	رفع محدودیت‌های قانونی برای راه‌اندازی، ادغام و توسعه SMEs (R ₂)	۰/۸۱۲			
	شفاف‌سازی و به روز کردن قوانین و امور حقوقی مربوط به SMEs (R ₃)	۰/۸۰۳			
	کاهش بوروکراسی اداری و تسهیل روند راه‌اندازی و اعطای مجوز فعالیت SMEs (R ₄)	۰/۷۳۲			
آموزشی (E)	تقویت مهارت‌های کارآفرینانه مدیران، صاحبان و کارکنان SMEs از طریق ارایه آموزش-های لازم به آنها (E ₁)	۰/۷۷۸	۲/۵۷۸	۱۱/۷۲۰	۵۸/۷۳۵
	برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای افزایش و به روز کردن سطح دانش و اطلاعات کارکنان، مدیران و صاحبان SMEs (E ₂)	۰/۷۱۸			
	ارایه اطلاعات مورد نیاز و مشاوره‌های فنی به مدیران و صاحبان SMEs (E ₃)	۰/۷۰۲			
	ایجاد و راه‌اندازی شبکه آموزش مجازی در زمینه‌های تخصصی مختلف مختص SMEs (E ₄)	۰/۶۳۴			
ارتباطی (C)	شبکه‌سازی و ایجاد تعامل/ارتباط اثربخش بین SMEs با یکدیگر و با سازمان‌های ذیربط (C ₁)	۰/۷۵۶	۱/۹۹۸	۹/۰۱۲	۶۷/۷۴۷
	ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به منظور تسهیل در دریافت اطلاعات مختلف به ویژه اطلاعات بازار (C ₂)	۰/۷۲۰			
	حمایت رسانه‌ای از طریق صدا و سیما و سایر وسایل ارتباط جمعی برای تبلیغ و معرفی بهتر SMEs فعال در سطح استان (C ₃)	۰/۵۴۸			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴.

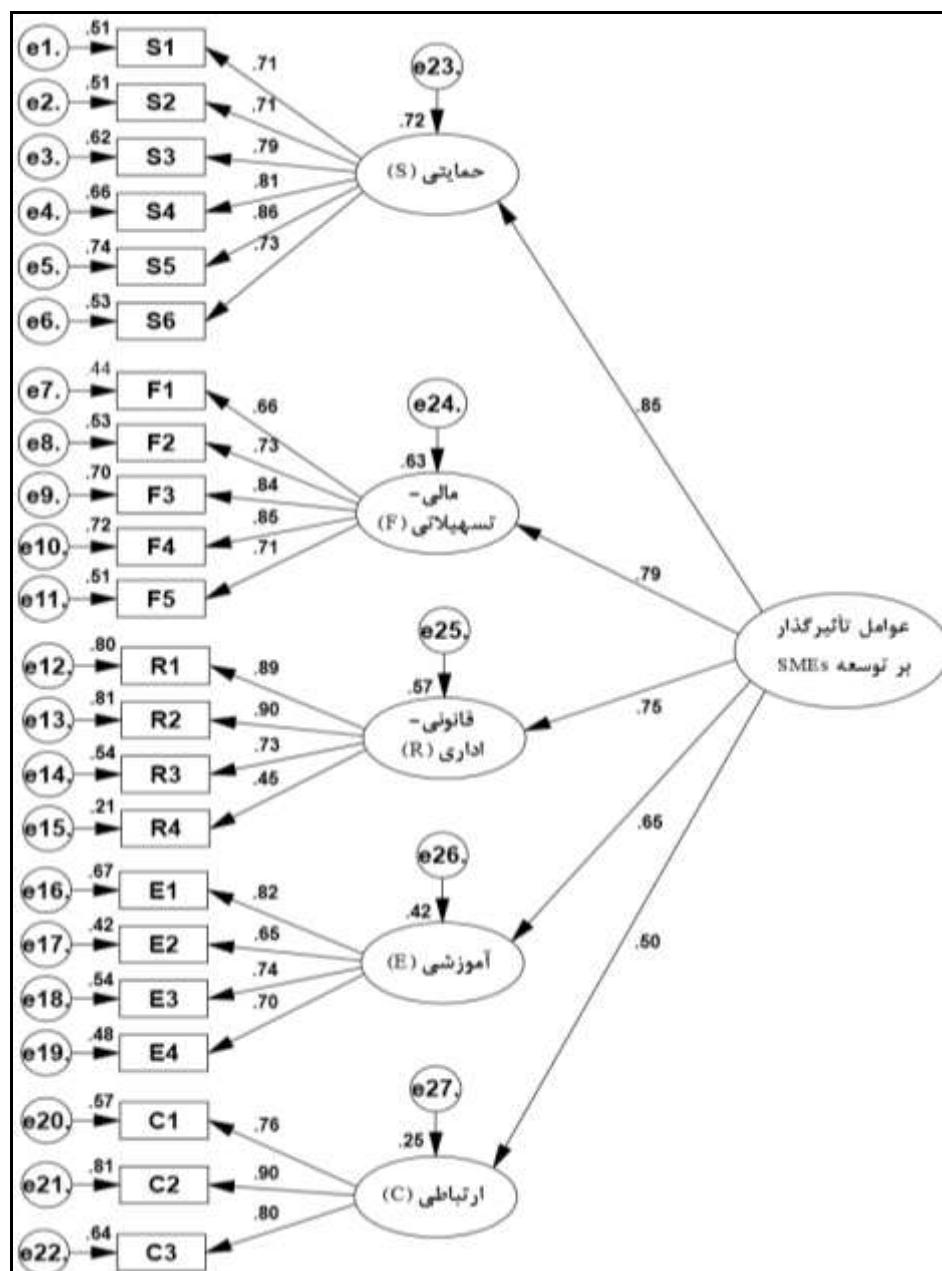
به منظور بررسی اعتبار سازه‌ای پرسشنامه و برازش الگوی اندازه‌گیری مربوط به عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی، داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار AMOS²⁰ از طریق تحلیل عاملی تأییدی (مرتب‌دوم) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است که یافته‌های کسب شده از آن در جداول (۴) و (۵) و شکل (۲) آورده شده است. همان گونه که از جدول (۴) پیداست بر اساس شاخص‌های مختلف برازندگی، مدل اندازه‌گیری به دست آمده دارای برازش مناسبی بود.

جدول شماره (۴): نتایج میزان انطباق مدل پژوهش با شاخص‌های برازندگی

شاخص برازش	معیار پیشنهاد شده	نتایج در پژوهش
کای اسکویر/ درجه آزادی	کمتر از ۳	۱/۳۱۳
شاخص برازندگی فزاینده	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	۰/۹۵۱
شاخص ریشه میانگین مجذور باقی‌مانده‌ها	کوچکتر یا مساوی ۰/۰۸	۰/۰۷۷
شاخص برازندگی تطبیقی	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	۰/۹۵۰
شاخص میزان انطباق	بزرگتر یا مساوی ۰/۹۰	۰/۸۲۹
شاخص ریشه دوم برآورد واریانس خطای تقریب	کوچکتر یا مساوی ۰/۰۸	۰/۰۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴.

همانطور که از مدل برازش شده عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در شکل (۲) پیداست به غیر از یک متغیر R_4 (در عامل قانونی - اداری) که دارای بار عاملی کمتر از ۰/۵ و مقدار t غیرمعنی‌دار بوده، تمامی متغیرهای دیگر در قالب پنج عامل مورد مطالعه دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ و مقادیر t بیشتر از ۱/۹۶ است و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوطه معنی‌دار بوده است.



شکل شماره (۲): مدل اندازه‌گیری برازش یافته (تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم) بر اساس ضرایب استاندارد شده

افزون بر نتایج اشاره شده، خلاصه دیگر نتایج به دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم در جدول (۵) نشان داده شده است. بر اساس نتایج کسب شده، مقادیر t محاسبه شده برای هر پنج عامل مورد بررسی شامل حمایتی (R)، مالی-تسهیلاتی (F)، قانونی-اداری (R)، آموزشی (E) و ارتباطی (C) از ۱/۹۶ بزرگتر بوده و در نتیجه این عامل‌ها از اثر مثبت و معنی‌داری در تبیین/ شکل‌گیری سازه "عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی" برخوردار بوده است؛ به عبارت دیگر، پنج عامل مورد مطالعه تا حدود زیادی ابعاد مستقل و مجزای عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی را اندازه‌گیری می‌کنند. از سوی دیگر، بر اساس اندازه/ شدت مقادیر ضرایب استاندارد شده می-

توان بیان داشت که از بین پنج عامل مورد مطالعه، به ترتیب دو عامل حمایتی (S) و مالی- تسهیلاتی (F) دارای بیشترین اثر در تبیین/ شکل‌گیری سازه اصلی تحقیق بوده است (جدول ۵).

جدول شماره (۵): خلاصه نتایج به‌دست آمده از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم

ردیف	عوامل	ضرایب غیراستاندارد	انحراف معیار	ضرایب استاندارد	مقادیر t	سطح معنی‌داری
۱	حمایتی	۱	--	۰/۸۵۱	--	---
۲	مالی- تسهیلاتی	۰/۸۵۵	۰/۱۷۸	۰/۷۸۸	۵/۸۱۶	۰/۰۰۰
۳	قانونی- اداری	۰/۷۵۸	۰/۱۸۴	۰/۷۵۲	۵/۱۸۵	۰/۰۰۰
۴	آموزشی	۰/۷۲۸	۰/۲۱۸	۰/۶۴۸	۴/۷۸۲	۰/۰۰۰
۵	ارتباطی	۰/۵۸۰	۰/۱۶۵	۰/۵۰۳	۳/۱۲۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴.

۵) نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف اصلی شناسایی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان انجام گرفت. در قالب هدف کلی اشاره شده، ابتدا متغیرهای تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های مورد مطالعه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در قالب عامل‌های مجزا طبقه‌بندی شده و سپس از طریق تحلیل عاملی تأییدی و پس از انجام اصلاحات لازم، عوامل شناسایی شده مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان داد که به طور کلی پنج عامل حمایتی، مالی- تسهیلاتی، قانونی- اداری، آموزشی و ارتباطی، به ترتیب مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان بوده است.

همان طور که از نتایج پیداست، عامل حمایتی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی است که اهمیت آن در مطالعات متعددی همچون شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، کریمی و همکاران (۱۳۹۳)، نورتیا و روبین (۲۰۰۹) و لطفی و همکاران (۲۰۱۴) مورد تأیید قرار گرفته است. در این زمینه، کریمی و همکاران (۱۳۹۳) بر این باورند که با توجه به ضعف بنیه مالی و نیروی انسانی و نداشتن زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز، بنگاه‌های کوچک و متوسط به ویژه بنگاه‌های نوپا بدون حمایت دولت نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند؛ از این‌رو، ضروری است دولت به عنوان مداخله‌گر و پشتیبان اصلی به اشکال مختلف به ویژه تدوین سیاست‌های حمایتی مناسب در حوزه قیمت و واردات و صادرات، ایجاد مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی، کاهش تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی برای SMEs، ساماندهی و تقویت اتحادیه‌ها و تشکل‌ها برای انسجام‌بخشی، حمایت و تأمین خدمات مورد نیاز SMEs و سایر موارد، به صورت مستقیم و غیرمستقیم از این بنگاه‌ها حمایت نماید. شایان ذکر است

که هر چند در سال‌های اخیر برنامه‌ها و سیاست‌های مختلفی از سوی دولت به ویژه در قالب سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور تقویت و حمایت از SMEs تدوین شده است، ولی در عمل به دلیل نبود برنامه‌ریزی راهبردی و عدم ثبات مدیریتی و سیاستی، بسیاری از این برنامه‌ها یا اجرا نشده و یا اینکه به شکل ناقص و ضعیفی عملیاتی شده‌اند.

برای نمونه، در حوزه واردات و صادرات به دلیل نبود مکانیسم مناسب، در بسیاری از موارد بنگاه‌های کشاورزی به دلیل واردات محصولات مشابه به شدت تحت فشار بوده و حتی در آستانه ورشکستگی قرار گرفته‌اند. به هر حال، در این زمینه ضروری است با توجه به نقش انکارناپذیر دولت در حمایت از بنگاه‌ها، با بررسی دقیق‌تر وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط به ویژه در بخش کشاورزی به دلیل ماهیت متفاوت آن با سایر بخش‌ها، یک بازنگری جدی در برنامه‌های حمایتی دولت صورت پذیرد.

بر اساس نتایج تحقیق، عامل بعدی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی، عامل مالی - تسهیلاتی بوده است. آنچه مسلم است، عوامل اقتصادی از پیش شرط‌های اصلی رشد کارآفرینی در نواحی روستایی و بخش کشاورزی به شمار می‌روند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹)؛ در این زمینه هر چند، نتایج تحقیقات مختلف حاکی از آن است که بنگاه‌های کوچک و متوسط در تمامی بخش‌ها از جمله کشاورزی برای شروع به کار و فعالیت به سرمایه کمتری نیازمند است، اما بنا به دلایل مختلف از جمله عدم برخورداری از صورت‌های مالی حسابرسی شده و در نتیجه عدم شفافیت اطلاعاتی در مورد فعالیت اقتصادی تحت پوشش، عدم دسترسی به وثیقه کافی، سابقه فعالیت کوتاه‌تر و دوره بقای عموماً کمتر، بازدهی اندک سرمایه‌گذاری‌های انجام شده توسط آنها و سایر موارد، در مقایسه با شرکت‌های بزرگ با مشکلات مالی زیادی مواجه بوده است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲).

همانطور که نتایج این تحقیق نیز نشان می‌دهد، ضروری است از طریق شیوه‌های مختلف به ویژه تشویق بانک‌ها و مؤسسات مالی به اعطای تسهیلات و اعتبارات بانکی با شرایط مطلوب، ایجاد و توسعه نهادها و تشکیلات مالی مختص SMEs اعم از تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و صندوق‌های مالی و پرداخت یارانه مربوط به هزینه خدمات عمومی (سوخت، برق، گاز، مخابرات و خرید نهاده‌ها) به SMEs، تا حدودی مسایل مالی بنگاه‌ها برطرف شود. نتایج این بخش از تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های شریف‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، شریفی و همکاران (۱۳۹۲)، کریمی و همکاران (۱۳۹۳) و لطفی و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی داشت.

پس از عامل‌های حمایتی و مالی - تسهیلاتی، عامل بعدی که از طریق نتایج تحلیل عاملی بر روی آن به عنوان اولویت سوم تأکید شده است، عامل قانونی - اداری بود. در این زمینه، آنگاویتا و مستافید (۲۰۱۴) بیان می‌دارند که وجود قوانین و مقررات مرتبط با بنگاه‌های کوچک و متوسط متناسب با ماهیت

و مشخصه‌های خاص آنها، یکی از پیش‌شرط‌های اصلی برای توسعه این بنگاه‌ها به شمار می‌رود. البته، بدیهی است همانگونه که لامعی (۱۳۸۵) اشاره دارد، قوانین می‌توانند مانند یک شمشیر دو لبه باشند؛ اگر درست بکار گرفته شوند، بسترها و شرایط فعالیت و رقابت در عرصه اقتصادی را تسهیل و مهیا می‌کنند، ولی اگر به نادرستی تدوین و اعمال شوند، می‌توانند به عنوان یک مانع عمده برای بازیگران اقتصادی عمل نمایند، شرایطی که کم و بیش در کشور حاکم بوده و بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی با موانع و محدودیت‌های قانونی متعددی روبرو هستند.

یکی از دلایل اصلی این مسئله، نبود قانون جامع و مدون بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشور است، به نحوی که به جز تعدادی محدود، اکثر قوانینی که در مورد این بنگاه‌ها اعمال می‌شود، مختص شرکت‌ها و صنایع بزرگ است که در آنها شرایط و ویژگی‌های خاص SMEs مد نظر قرار نگرفته است که این مسئله به نوبه خود منجر به انگیزه‌زدایی صاحبان و مدیران بنگاه‌ها و ایجاد مسایل متعدد دیگری گردیده است. با توصیف چنین شرایطی و با در نظر گرفتن اهمیت عامل قانونی، ضروری است تا قوانین موجود مورد بازنگری جدی قرار گرفته و ابهامات موجود در آنها رفع و بر اساس شرایط و نیازهای اصلی بنگاه‌های کوچک و متوسط روزآمد شود. اهمیت عامل قانونی نیز در مطالعات نورتیا و روبین (۲۰۰۹) و آنگاویتا و مستافید (۲۰۱۴) مورد تأیید قرار گرفته است.

بر اساس نتایج تحقیق عامل بعدی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی، عامل آموزشی بود که این یافته با نتایج تحقیقات خلیقی (۱۳۸۷)، نرگسی و کلانتریان (۱۳۹۱)، شریفی و همکاران (۱۳۹۲)، پات (۲۰۱۱)، سیدیکا (۲۰۱۲) و آنگاویتا و مستافید (۲۰۱۴) همخوانی داشت. در این رابطه، زری‌باف و شفیع‌خانی (۱۳۸۵) معتقدند که توجه به آموزش و توسعه منابع انسانی تأثیر بسزایی در توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط داشته و حتی موتور محرکه آن محسوب می‌شود.

بر این اساس، ضروری است تا از طریق شیوه‌های مختلف از جمله برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای افزایش و به روز کردن سطح دانش و اطلاعات کارکنان، مدیران و صاحبان SMEs، تقویت مهارت‌های کارآفرینانه مدیران، صاحبان و کارکنان SMEs از طریق ارائه آموزش‌های لازم به آنها، ایجاد و راه‌اندازی شبکه آموزش مجازی در زمینه‌های تخصصی مختلف مختص SMEs و ایجاد مراکز مشاوره برای ارائه اطلاعات و مشاوره‌های فنی مورد نیاز SMEs، سطح توانمندی و کیفیت منابع انسانی این بنگاه‌ها به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر توسعه SMEs افزایش یابد. اهمیت این موضوع، با در نظر گرفتن سطح پایین تحصیلات و دانش و مهارت‌های کارآفرینانه بیشتر صاحبان و مدیران بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی مورد مطالعه دو چندان است. البته، شایان ذکر است همانطور که نتایج

تحقیق شریفزاده و همکاران (۱۳۸۹) نشان می‌دهد، کارکنان بنگاه‌های کوچک و متوسط از نیازهای آموزشی بسیار متنوعی برخوردار هستند که لازم است تا این نیازهای آموزشی از طریق نیازسنجی به عنوان سنگ بنای فرآیند برنامه‌ریزی مورد شناسایی و تحلیل دقیق قرار گیرند تا برنامه‌های آموزشی برگزار شده اثربخشی بیشتری داشته باشند.

در نهایت، بر اساس نتایج کسب شده عامل آخر از عوامل تأثیرگذار بر توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی که به عنوان عامل پنجم وارد تحلیل عاملی شده، عامل ارتباطی بود. در این زمینه، با توجه به مقیاس کوچک بنگاه‌های مورد مطالعه و قرار گرفتن آنها در جریان یک رقابت ناعادلانه با بنگاه‌های بزرگ مقیاس، شبکه‌سازی و ایجاد تعامل/ارتباط اثربخش بین SMEs با یکدیگر و با سازمان‌های ذی‌ربط می‌تواند نقش اساسی در کمک به توسعه آنها ایفا نماید و همان گونه که لانگ و ژانگ^۱ (۲۰۱۱) و بابکین و همکاران^۲ (۲۰۱۳) اشاره دارند، ضمن رفع برخی نقاط ضعف این بنگاه‌ها به ویژه محدودیت‌های فنی، پایین بودن قدرت رقابت‌پذیری و ضعف ارتباط و تعامل بین بنگاه‌ها، مزیت‌های مختلف SMEs همچون انعطاف‌پذیری و تنوع را نیز به شکل قابل توجهی تقویت نماید.

افزون بر این، همانطور که از نتایج تحقیق پیداست ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی به منظور تسهیل در دریافت اطلاعات مختلف به ویژه اطلاعات بازار و حمایت رسانه‌ای از طریق صدا و سیما و سایر وسایل ارتباط جمعی برای تبلیغ و معرفی بهتر SMEs فعال در سطح استان، از دیگر سازوکارهایی هستند که می‌توانند موجبات توسعه فعالیت بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی را فراهم سازند. بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارایه می‌شود:

۱- با توجه به نتایج تحلیل عاملی مبنی بر قرار گرفتن عامل حمایتی در اولویت نخست، پیشنهاد می‌شود دولت در مقام نهاد اصلی تسهیل‌گر و پشتیبان از طریق تنظیم خط‌مشی‌های سیاسی مناسب محیط کسب و کار مناسبی را برای گسترش و توسعه SMEs فراهم سازد. در این خصوص توجه به مواردی مانند ایجاد مراکز تخصصی حمایت از SMEs کشاورزی اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تأمین نهاده، بازاریابی و غیره، کاهش تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی برای SMEs به ویژه در سال‌های اولیه راه‌اندازی، ساماندهی و تقویت اتحادیه‌ها و تشکلهای برای انسجام‌بخشی، حمایت و تأمین خدمات مورد نیاز برای SMEs و تسهیل دسترسی به خدمات دولتی به خصوص آمار و اطلاعات شفاف برای تأمین اطلاعات لازم SMEs، می‌تواند فرآیند راه‌اندازی و توسعه SMEs در بخش کشاورزی را به شکل قابل توجهی تسریع و تسهیل نماید.

¹ Long and Zhang

² Babkin et al.

۲- با توجه به نتایج تحقیق در خصوص وارد شدن عامل آموزشی در تحلیل عاملی، پیشنهاد می‌شود از طریق همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی نیازهای آموزشی صاحبان و مدیران SMEs به صورت مستمر مورد پایش و شناسایی قرار گرفته و نتایج آن به منظور طراحی دوره‌های آموزشی توسط دستگاه‌های اجرایی ذیربط استفاده شود. همچنین، در این زمینه می‌توان دوره‌های آموزشی خاصی را برای متقاضیان راه‌اندازی SMEs در نظر گرفت و داشتن گواهی شرکت در این دوره‌ها را به عنوان یکی از شروط مقدماتی برای راه‌اندازی بنگاه‌ها قرار داد.

۳- با در نظر گرفتن نتایج تحقیق و اهمیت عامل ارتباطی، پیشنهاد می‌شود با تأکید بر شبکه‌سازی و توسعه همکاری‌های میان بنگاهی، SMEs فعال در بخش کشاورزی استان در قالب اتحادیه‌ها و زنجیره‌ها/خوشه‌های تولیدی ساماندهی و انسجام‌بخشی شوند تا بتوان از پتانسیل و ظرفیت نهادی شکل گرفته برای ارائه خدمات به بنگاه‌ها به نحو مطلوب‌تری بهره برد.

سپاسگزاری

اعتبار این طرح از طرف معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه زنجان تأمین گردیده است که بدین وسیله از مساعدت و همکاری آن معاونت محترم تشکر و قدردانی می‌نماید.

۶) منابع

- آخوندی، مرجان و میلاد مرشدی، (۱۳۹۱)، نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد ایران، مجموعه مقالات دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹ و ۱۰ خرداد ماه ۱۳۹۱، سنندج، صص ۱-۱۸.
- امین بیدختی، علی اکبر و مجتبی زرگر، (۱۳۹۰ الف)، آسیب‌شناسی بنگاه‌های کوچک و متوسط و بیان راهبردهای عملی برای حمایت از آنها (بررسی موردی: استان سمنان)، فصلنامه مدیریت و توسعه، شماره ۷۸، صص ۱۲۵-۱۵۶.
- امین بیدختی، علی اکبر و مجتبی زرگر، (۱۳۹۰ ب)، بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه‌ها، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۳۸، صص ۳۴-۴۸.
- امین بیدختی، علی اکبر، (۱۳۸۸)، نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در خلق فرصت‌های کارآفرینی، نشریه کاوش‌های مدیریت بازرگانی، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۷۱-۱۹۰.
- برخوردار، فاطمه، (۱۳۸۹)، چالش‌ها و راهکارهای توسعه کسب و کارهای خانگی، ماهنامه بازار کار، شماره ۵۹۳، صص ۶-۸.
- حیدریپور، افشین، (۱۳۸۶)، بررسی طرح آمارگیری ارزیابی عملکرد و اثربخشی بنگاه‌های اقتصادی زودبازده، گزارش طرح پژوهشی، دفتر مطالعات اقتصادی مجلس شورای اسلامی.

- خشنودی‌فر، زهرا، امیرحسین پیرمرادی و آرزو میرزایی، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت بنگاه‌های کوچک اقتصادی زودبازده و کارآفرین در بخش کشاورزی شهرستان فرمهبین، مجموعه مقالات سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۲ و ۱۳ اسفند ماه ۱۳۸۸، مشهد، صص ۱-۱۳.
- خلیقی، شهین، (۱۳۸۷)، بررسی ارتباط بین مهارت‌های کارآفرینانه مدیران و اثربخشی سازمانی در کسب و کارهای کوچک و متوسط شهرستان سنندج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی سنندج.
- دیواندری، علی، محمدرضا زالی و محمدمهدی کولوبندی، (۱۳۸۸)، ارزیابی اثربخشی طرح بنگاه‌های زودبازده، مجله کار و جامعه، شماره ۱۰۹، صص ۴-۱۵.
- رضائی، روح‌اله، احسان قلی‌فر، و حسام‌الدین غلامی، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل تأثیرگذار بر رضایت کشاورزان از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در شهرستان زنجان، فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۴۴، صص ۲۲۱-۲۳۴.
- زری‌باف، مهدی و محمد شفیع‌خانی، (۱۳۸۵)، آموزش منابع انسانی کارآفرین و توسعه سازمان‌های کوچک و متوسط، فصلنامه مدیریت، سال ۳، شماره ۷، صص ۷۲-۷۹.
- سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان، (۱۳۹۲)، بررسی آماری بنگاه‌های کوچک و متوسط کشاورزی در استان زنجان، گزارش طرح پژوهشی، سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان.
- سجاسی‌قیداری، حمداله، شایان، حمید و نوربخش رزمی، زهرا، (۱۳۹۴)، تحلیل نقش کارآفرینی فعالیت‌های غیرکشاورزی در ارتقاء کیفیت زندگی روستاییان؛ مورد: روستاهای بخش شاندیز شهرستان بینالود، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۵۵-۷۶.
- سلطانی، زهرا، زهرا خوشنود و طاهره اکبری آلاشتی، (۱۳۹۰)، سازوکارهای تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط، گزارش پژوهشی، پژوهشکده پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- شاهنوشی، ناصر و مهدی شعبان‌زاده، (۱۳۹۱)، اثر اعتبارات بنگاه‌های زودبازده بر بهره‌وری عوامل تولید کشاورزی شهرستان بابل، فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، سال ۴۳، شماره ۳، صص ۵۱۱-۵۲۱.
- شریف‌زاده، ابوالقاسم، ابوالقاسم عربیون و غلامحسین عبدالله‌زاده، (۱۳۸۹)، شناسایی و اولویت‌بندی نیازهای حمایتی توسعه کسب و کارهای کشاورزی (مطالعه موردی: استان گلستان)، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۷۱-۹۱.
- شریف‌زاده، مظفر، (۱۳۸۷)، نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط در توسعه فعالیت‌های اقتصادی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی توسعه فعالیت‌های اقتصادی: سلول بنیادین اشتغال و توسعه کشور، ۳ و ۴ دی ماه ۱۳۸۷، تهران، صص ۱-۱۷.
- شریفی، محمد، رضا زعفریان، جهانگیر یداله‌ی فارسی و مریم مجتهدی، (۱۳۹۲)، عوامل بازدارنده و پیش‌برنده رشد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط: مطالعه موردی صنعت رنگ و پوشش‌های خودروبی در ایران، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۳۱ و ۳۲، صص ۱۶۵-۱۹۲.
- شعبان‌زاده، مهدی، ناصر شاهنوشی، محمود دانشور، محمد قربانی و مجتبی مجاوریان، (۱۳۹۱)، بررسی اثربخشی طرح اعتبارات بنگاه‌های زودبازده در صنعت زنبورداری، نشریه دانش کشاورزی، سال ۲۲، شماره ۴، صص ۲۹-۴۴.

- عقیلی، فریبا السادات، کمیل طیبی، زهرا زمانی و نسرین ابراهیمی، (۱۳۹۱)، اثر کارآفرینی و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اشتغال: تجربه چند کشور منتخب در حال توسعه، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال ۵، شماره ۲، صص ۱۴۵-۱۶۴.
- غفاری آشتیانی، پیمان و فاطمه پیرمحمدی، (۱۳۸۷)، نوآوری سازمانی در شرکت‌های کوچک و متوسط، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۹، صص ۲۸-۳۳.
- فراهانی، حسین، رسولی‌نیا، زکیه و صدقی سراسکانرود، زهرا، (۱۳۹۳)، عوامل اثرگذار بر رشد کارآفرینی در نواحی روستایی؛ مورد: دهستان جابرائصار در شهرستان آبدانان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۳، صص ۱-۱۶.
- کریمی، آصف، بهزاد بانکی‌پور و محمود احمدپورداریانی، (۱۳۹۳)، تحلیل سازوکارهای توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط (مورد مطالعه: کسب و کارهای کوچک و متوسط قزوین)، فصلنامه توسعه کارآفرینی، سال ۷، شماره ۲، صص ۳۰۵-۳۲۶.
- کیان‌پور، سعید و رویا تولایی، (۱۳۹۳)، بررسی نقش بنگاه‌های کوچک و متوسط مقیاس در توسعه فعالیت‌های اقتصادی کشور مالزی، نشریه رشد فناوری (فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد)، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص ۲۵-۳۷.
- لامعی، بهزاد، (۱۳۸۵)، موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران، فصلنامه تعاون، شماره ۱۷۹، صص ۱۸-۲۲.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، تهران، مرکز آمار ایران.
- نرگسی، سیامک و شیما کلاتریان، (۱۳۹۱)، بررسی ارتباط بین مهارت‌های کارآفرینانه مدیران و اثربخشی سازمانی در صنایع کوچک و متوسط شهرستان کرمانشاه، مجموعه مقالات کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۹۱، مازندران، صص ۱-۱۸.
- Anggadwita, G. and Mustafid, Q. (2014), **Identification of factors influencing the performance of small medium enterprises (SMEs)**, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 115, PP. 415- 423
- Babkin, A., Kudryavtseva, T. and Utkina, S. (2013), **Formation of industrial clusters using method of virtual enterprises**, Procedia Economics and Finance, 5, PP. 68- 72.
- Bartlett, J., Kotrlik, J. and Higgins, C. (2001), **Organizational research: Determining appropriation sample size in survey research**, Information Technology, Learning, and Performance Journal, 19 (1), PP. 5- 43.
- Blossom, C., Aslam, N. and Said, A. (2014), **Challenges and barriers encountered by the SMEs owners in Muscat**, International Journal of Small Business and Entrepreneurship Research, 2 (3), PP. 1- 13.
- Gibb, A. and Davies, L. (1990), **In pursuit of frameworks for the development of growth models of the small business**, International Small Business Journal, 9 (1), PP. 15-31.
- Gibson, T. and Vaart, V. (2008), **Defining SMEs: A less imperfect way of defining small and medium enterprises in developing countries**, Research Report, Global Economy and Development, Brookings Institution.
- Kyaw, A. (2008), **Financing small and medium enterprises in Myanmar**, IDE Discussion paper, 148, PP. 15- 24.
- Long, C. and Zhang, X. (2011), **Cluster-based industrialization in China: financing and performance**, Journal of International Economics 84 (1), PP. 112- 123.
- López-Ortega, E. Canales-Sanchez, D., Bautista-Godinez, T. and Macias-Herrera, S. (2016), **Classification of micro, small and medium enterprises (M-SME) based on their available levels of knowledge**, Technovation, 47, PP. 59-69.

- Lotfi, N., Nayebzadeh, N. and Dehgan Dehnavi, H. (2014), **Factors affecting growth and development of SMEs (Case study: Ardebil City)**, Journal of Applied Environmental and Biological Sciences, 4 (4), PP. 139- 146.
- Lucky, E. and Olusegun, A. (2012), **Is small and medium enterprises (SMEs) an entrepreneurship?** International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, 2 (1), PP. 487-496.
- Norita, A. and Robin, G. (2009), **Integrated model of operations effectiveness of small to medium-sized manufacturing enterprises**, J Intell Manuf, 20, PP. 79- 89.
- Pat, M. (2011), **Effectiveness of the office of small and medium enterprise and the Canadian innovation commercialization program**, Report of the Standing Committee on Government Operations and Estimates, Public Works and Government Services Canada.
- Pedhazur, E. (1982), **Multiple regressions in behavioral research: Explanation and predication**, New York, Reinhart & Winston.
- Philip, M. (2010), **Factors affecting business success of small and medium enterprises (SMEs)**, APJRBM, 1 (2), PP. 1- 16.
- Rebecca, E. and Benjamin, J. (2009), **Entrepreneurial competencies: The missing links to successful entrepreneurship in Nigeria**, International Business Research, 2 (2), PP. 62-71.
- Reid, R. and Harris, R. (2004), **Family-owned SME growth in Scotland: A comparison with the UK**, Report to Scotecon.
- Sidika, I. (2012), **Conceptual framework of factors affecting SME development: Mediating factors on the relationship of entrepreneur traits and SME performance**, Procedia Economics and Finance 4, PP. 373- 383.
- UNIDO (2008), **Small and medium sized enterprises**, Technical Report, Available at <http://www.unido.org>.
- Wilkinson, T. and Brouthers, L. (2006), **Trade promotion and SME export performance**, International Business Review, 15 (3), PP. 233- 252.
- Woldie, A., Leighton, P. and Adesua, A. (2008), **Factors influencing small and medium enterprises (SMEs): An exploratory study of owner/ manager and firm characteristics**, Banks and Bank Systems, 3 (2), PP. 5- 13.
- Yeh-Yun, L. and Zhang, J. (2005), **Changing structures of SME networks: Lessons from the publishing industry in Taiwan**, Long Range Planning, 38, PP. 145- 162.
- Zulkepli, Z., Hasnan, N. and Mohtar, M. (2015), **Communication and service innovation in SMEs**, Procedia- Social and Behavioral Sciences, 211, PP. 437-441.